

W

درس ششم : پیشوایان اسوه

تهیه کنندگان : محمد صادق ممتازی ،
امیر حسین مویدیان

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلاَ غَالِبَ لَكُمْ ۚ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ ۚ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾
أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦٢﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ ۚ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٦٤﴾

صدق الله

على

العهود

اسوه های رهبری

- پیامبر اکرم پس از سیزده سال تالش برای هدایت مردم مکه، با دعوت مردم مدینه، به این شهر هجرت کرد و به فرمان خداوند، حکومت اسلامی را بنا نهاد. آن حضرت، در مدت این ده سال، به گونه‌ای زندگی کرد که در همه ابعاد فردی و اجتماعی، از جمله در جایگاه رهبری، الگو و اسوه انسانها شد و خداوند درباره ایشان فرمود:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ

أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ

وَالْيَوْمَ الْآخِرَ

وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

قطعاً برای شما در رسول خدا

سرمشق نیکویی است

برای کسی که به خداوند

و روز رستاخیز امید دارد

و خدا را بسیار یاد می‌کند.

پیام آیه

۱. پیامبر اکرم (ص) برای تمامی مردم در همه دوران ها
نیکوترین اسوه است

۲. برای حرکت در مسیر هدف ، وجود اسوه و الگوهای
که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیدند بسیار
ضروری است

۳. کسانی می توانند پیامبر اکرم (ص) را الگو قرار
دهند که سه شرط زیر را داشته باشند :
(الف) قلبشان سرشار از ایمان به خدا باشد
(ب) به واقعه معاد ایمان قلبی داشته باشند
(ج) در زندگی بسیار به یاد خداوند باشند

سیره پیامبر اکرم:

۱- تلاش برای برقراری عدالت و برابری

۲- محبت و مدارا با مردم

۳- سختکوشی و دلسوزی در هدایت مردم

۴- مبارزه با فقر و محرومیت

۱- تلاش برای برقراری عدالت و برابری:

- ✓ یکی از اهداف مهم حکومت الهی رسول خدا اجرای عدالت بود و ایشان در این مورد با قاطعیت عمل کرد و کوشید تا جامعه ای عادلانه بنا کند که در آن از تبعیض خبری نباشد و همه در برابر قانون الهی یکسان باشند
- ✓ این اقدام پیامبر اکرم در شرایطی انجام می گرفت که در جامعه آن روز حجاز و سایر کشورها، تبعیض و تفاوت طبقاتی، یک قانون پذیرفته شده بود و کسی با آن مخالفت نمی کرد
- ✓ حضرت، درآمد بیت المال را میان مسلمانان به تساوی تقسیم کرد و فرقی میان عرب و غیر عرب نمی گذاشت.
- ✓ با همه بردباری و ملایمتی که در برابر ضایع شدن حق شخصی خود داشت، در برابر ضایع شدن حقوق افراد جامعه می ایستاد و کوتاه نمی آمد و متجاوزان حقوق مردم را در هر موقعیت و مقامی که بود، مجازات می کرد
- ✓ رسول خدا برای اولین بار در جامعه آن روز، برابری همه افراد در برابر قانون را اعلام کرد و عرب و غیر عرب و سیاه و سفید را برابر دانست و در مقابل تعصبات قومی و قبیله ای ایستاد

نمونه:

در زمانهای گذشته، قبایل جایگاه مخصوصی داشتند و برخی قبایل برتر از برخی دیگر شمرده میشدند. روزی فردی از یکی از قبایل صاحب نام مدینه، دزدی کرد و جرم او ثابت شد. رؤسای قبیله فکر میکردند که رسول خدا به دلیل جایگاهی که قبیله این فرد دارد وی را مجازات نخواهد کرد؛ اما با کمال تعجب دیدند که پیامبر میخواهد حکم را اجرا کند. واسطه های مختلفی نزد رسول خدا فرستادند، تا ایشان را از اجرای حکم منصرف کنند. حتی برخی نزدیکان رسول خدا را واسطه قرار دادند، اما ایشان نپذیرفت و به آنان فرمود:

اقوام و ملل پیشین بدین سبب، دچار سقوط شدند که در اجرای عدالت، تبعیض روا میداشتند؛ اگر شخصی قدرتمند و صاحب نفوذ از ایشان دزدی میکرد رهایش میکردند و اگر فردی ضعیف دزدی میکرد وی را مجازات میکردند.

رسول خدا، برای اولین بار در جامعه آن روز، برابری همه افراد در برابر قانون را اعلام کرد و عرب و غیرعرب و سیاه و سفید را برابر دانست و در مقابل تعصبات قومی و قبیلهای ایستاد.

۲- محبت و مدارا با مردم :

✓ رفتار رسول خدا با مردم به قدری محبت آمیز بود که مردم، در سختیها به ایشان پناه میبردند و ایشان را پدر مهربان خود میدانستند

اطرافیان یک رهبر برای اینکه خود را به او نزدیک کنند، و معمولا عیب دیگران را نزد او بازگو میکنند اما رسول خدا به یاران خود میفرمود:

بدیهای یکدیگر را پیش من بازگو نکنید؛ زیرا دوست دارم با دلی پاک و خالی از کدورت با شما معاشرت کنم.

نمونه هایی از محبت پیامبر به مردم

۱. هر کس به خانه ی آن حضرت می رفت، به او احترام می گذاشت تا آنجا که گاهی ردای خود را زیر پای او پهن می کرد یا بر جای خود می نشاند

۲. هرگز در مقابل یارانش پای خود را دراز نمی کرد و سعی می کرد تا زمانی که نشسته اند در کنارشان باشد

۳. اگر درباره آخرت حرف می زدند با آنان همراهی می کرد اگر درباره خوردنی و آشامیدنی و سایر امور روزمره سخن می گفتند، برای اظهار مهربانی با آنان هم سخن میشد و گاهی در حضور پیامبر شعر میخواندند یا از گذشته خود سخن میگفتند

۳- سختکوشی و دلسوزی در هدایت مردم :

پیامبر چنان عالقهمند به نجات مردم از گمراهی بود که سختیها و آزارهای این راه، هرگز سبب دوری او از مردم نگردید و آنقدر برای هدایتشان شبانهروز تالش کرد که خداوند در اینباره خطاب به مسلمانان فرمود:

رنج شما برای او سخت و دشوار است و بر (هدایت) شما حریص (به شدت علاقه مند) است

با همه این دلسوزیها و زحمتهای دشمنی سران قریش با ایشان بیشتر میشد. میگفتند او ساحر و جادوگر است میگفتند دیوانه است، بر سر و رویش خاکستر میپاشیدند، طعنه و نیش زبان به او میزدند با وجود اینها، آنقدر با مهربانی و صبر و تحمل، به هدایت مردم ادامه میداد، که گاه نزدیک بود از شدت غصه و اندوه فراوان از پا در آید که خداوند به او فرمود:

لَعَلَّكَ بِاِخْعِ نَفْسِكَ اَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

«از اینکه برخی ایمان نمی‌آورند شاید که جانت را [از شدت اندوه] از دست بدهی.»^۲

امام علی که در بیشتر این صحنه ها در کنار رسول خدا بود، درباره تلاش بی پایان پیامبر میفرمود:

پیامبر یک طبیب سیار بود (برخالف سایر طبیبان) او خود به سراغ مردم میرفت، داروها و مرهمهایش را خودش آماده میکرد و ابزارهای طبابت را با خود میبرد تا بر هر جا که نیاز باشد، مرهم بگذارد؛ بر دلهای کور، گوشهای کر، زبانهای گنگ، او با داروهای خویش بیماران غفلت زده و سرگشته را درمان میکرد

آن حضرت، تلاش میکرد حتی کسانی را که با ایشان میجنگیدند هدایت کند و به سوی حق دعوت نماید. متکبران و برخی از بزرگان قبایل که تعالیم اسلام را به ضرر خود میدیدند، جنگهایی را علیه آن حضرت به راه میانداختند. پیامبر نیز به ناچار مسلمانان را برای مقابله با آنان بسیج میکرد. داما در برخورد با کفار ، به یاران خود سفارش می کرد :

۱. اگر گافری در جنگ کشته شد ، او را مثله (تکه تکه) نکنید

۲. کودکان و پیران و زنان را نکشید .

۳. حیوانات حلال گوشت را نکشید ، مگر اینکه برای تغذیه به آن احتیاج داشته باشید

۴. هرگز آب مشرکان را زهرآلود نکنید و مزارع و نخلستان ها را نسوزانید .

سفارش پیامبر به یاران خود
در برخورد بالشگر کفار

۴- مبارزه با فقر و محرومیت:

رسول خدا هم با فقر مبارزه می کرد و به دنبال بنای جامعه ای آباد و دور از محرومیت بود و هم با کوچک شمردن فقیران و بینوایان به مخالفت بر می خاست. از این رو، مردم را به کار و فعالیت تشویق می کرد، از بیکاری بدش می آمد و کسانی را که فقط عبادت می کردند و کار نمی کردند، مذمت می کرد.

در عین حال، به فقیران بسیار احترام می گذاشت و اجازه نمی داد که به خاطر فقر مورد بی توجهی قرار گیرند و فراموش شوند. برخی از آنها دوست صمیمی ایشان به شمار می رفتند. ثروت را مالک برتری نمی شمرد. به آسانی با فقیرترین و محروم ترین مردم می نشست و صمیمانه با آنها گفت و گو می کرد. آنان نیز رسول خدا را همدل و همراز خود می یافتند. آن حضرت به یاران خود می فرمود:

به من ایمان نیاورده است کسی که شب را با شکم سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد.

جان و جانشین پیامبر :

میرمؤمنان، علی، ده سال قبل از بعثت پیامبر در خانه کعبه به دنیا آمد. پدرش حضرت ابوطالب به پیشنهاد پیامبر، نام ایشان را «علی» گذاشت. علی به معنای «والل» و «بلندمرتبه» است.

سه یا چهار سال بیشتر نداشت که به خانه پیامبر آمد و چندین سال نزد ایشان زندگی کرد. خودش درباره این دوران می فرماید:

در حالی که کودک بودم، همواره در کنار پیامبر بودم و پیامبر مرا در کنار خود می نهاد ... نه هرگز دروغی در گفتار من دید و نه رفتاری ناشایست از من مشاهده کرد ...
من همچون بچه از شیر گرفته شده که به دنبال مادرش می رود، از آن بزرگوار پیروی می کردم و او هر روز پرچمی از خوی های نیکوی خود را برای من می افراشت و مرا به پیروی کردن از آن فرمان می داد ...

حضرت علی (ع) می فرمایند : هنگامی که وحی بر پیامبر فرود آمد، آوای اندوهگین شیطان را شنیدم. گفتم: ای پیامبر خدا، این فریاد اندوهناک چیست؟ پاسخ داد: این شیطان است که از پرستش خود ناامید شده است. بی گمان آنچه را من می شنوم تو هم می شنوی و آنچه را من می بینم تو هم می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر هستی و تو هر آینه بر راه خیر می باشی

جابر بن عبد الله انصاری ، از یاران خوب رسول خدا (ص) می گوید : در کنار خانه خدا و در حضور رسول خدا (ص) بودیم که علی(ع) وارد شد . رسول خدا (ص) فرمود : **براندرم به سویان آمد** . سپس رو به سمت کعبه کرد و دست بر آن گذاشت و فرمود :

سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد و شیعیان و پیروان او، رستگارند و در روز قیامت، اهل نجات اند.

سپس فرمود: **این مرد اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا، راسخ ترین شما در جام فرمان خدا، صادق ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مساوات و ارجمندترین شما نزد خداست.**

در همین هنگام، آیه زیر بر پیامبر خدا نازل شد و پیامبر آن را قرائت کرد:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

کسانی که ایمان آوردند
و کارهای شایسته انجام دادند،
اینان بهترین مخلوقات اند.

شیعه :

مسلمانی است که به فرمان خدا و پیامبر ، امیرالمؤمنین علی را جانشین پیامبر می داند و از او پیروی می کند.

فضایل حضرت علی (ع):

بزرگان علم و دانش، مسلمان و غیرمسلمان، پس از بررسی شخصیت امیرالمؤمنین علی با شگفتی مشاهده کرده اند که فضایی در آن امام است که به سختی در یک فرد، جمع می شود. آن امام در میدان جنگ شجاع ترین؛ در محراب عبادت، عابدترین؛ در مقام قضاوت، دقیق ترین؛ در کلاس درس، عالم ترین ، در بلاغت و زیبایی سخن ، بلیغ ترین و در عرصه حکمرانی ، عادل ترین است .

آن حضرت، همانند رسول خدا همه فضائل الهی را در خود جمع کرده بود و تمام ویژگی هایی را که یک رهبر جامعه باید داشته باشد، دارا بود.

نمونه ای از فضایل و ویژگی های حضرت علی (ع)

علم بی کران

عدالت بی مانند

عدالت بی مانند :

امام علی پس از ۲۵ سال کنار گذاشته شدن از حق خلافت، آن گاه که با درخواست عمومی مردم و اصرار آنها بر قبول خلافت حجت را بر خود تمام دید به صحنه آمد. ایشان از همان آغاز با الگو قرار دادن سیره و روش پیامبر مبارزه با تبعیض و نابرابری و برقراری عدالت را، سرلوحه کار خود قرار داد آن حضرت در همان روزهای آغازین حکومتش به مسجد رفت و این گونه برای مردم سخنرانی کرد:

...ای مردم، گروهی بیش از حق خود از بیت المال و اموال عمومی برداشته اند و جیب خود را انباشته اند و ملک و باغ خریده اند ... اینان در حقیقت ننگ دنیا و عذاب آخرت را خریده اند؛ اما بدانید که من حق مردم مظلوم را از اینان باز می ستانم و از این پس سهم همه مسلمانان را از بیت المال به طور مساوی خواهم داد .

فردای آن روز، پس از پرداخت هزینه های عمومی کشور از بیت المال، باقی مانده آن را میان مردم به طور مساوی تقسیم کرد. محرومان خوشحال شدند؛ اما عده ای که دوره های قبل دریافت های ویژه و کلان داشتند، اعتراض کردند.

ایشان در سخنانی فرمودند: **سوگند به خدا، اگر همه دنیا را با تمام وسعتش به من بدهند تا به اندازه گرفتن پوست جو از دهان موری، خدا را نافرمانی کنم، نخواهم کرد.**

همان طور که گفتیم، یکی از ابعاد شگفت انگیز شخصیت امیرالمؤمنین ، **علم و معرفت** وی بود. ایشان در جهان شناسی، انسان شناسی، دین شناسی، حکومت و کشورداری، نظام اجتماعی و اقتصادی، اخالق و فضیلت و سایر موضوعات مورد نیاز هدایت و سعادت انسان، سخن گفته و ما را راهنمایی کرده است.

کتاب نهج البلاغه که بخشی از سخنرانی ها، نامه ها و پند و اندرزهای ایشان را در خود جای داده، حکایتگر این دانش بی مانند است. دانشمندان بزرگ جهان اسلام از زمان تدوین این کتاب تاکنون، در موضوعاتی که ذکر شد، همواره از این کتاب بهره مند شده اند.

ابن ابی الحدید که از اندیشمندان اهل سنت است، شرح مفصلی بر نهج البالغه نوشته که امروزه در چندین جلد، چاپ شده است. وی در مقدمه کتاب خود می گوید: به حق، سخن علی را از سخن خالق قرآن فروتر و از سخن مخلوق دیگر انسان هابتر خوانده اند ...

وی در شرحی که بر خطبه ۲۲۱ نهج البالغه نوشته است، می گوید: قسم می خورم به کسی که همه امت ها به او قسم می خورند، که پنجاه سال است این خطبه را مطالعه می کنم و در این پنجاه سال، بیش از از هزار مرتبه آن را خوانده ام، و تاکنون هیچ بار آن را نخوانده ام مگر آنکه در جان من شگفتی و بیداری عمیقی ایجاد کرده است. چقدر خطبا و موعظه کنندگان درباره مرگ و آخرت خطبه خوانده اند! و من چقدر خطبه های آنان را خوانده و در آن تأمل کرده ام! اما تا کنون هیچ کدام از آنها تأثیر این خطبه را در جان من ایجاد نکرده است...

امیرالمؤمنین جز نزد پیامبر اکرم نزد کسی دیگر شاگردی نکرده بود. در حقیقت، دانش ایشان متصل به دانش پیامبر بود و دانش پیامبر نیز از وحی الهی سرچشمه می گرفت. پیامبر اکرم در همین باره فرمود:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ	من شهر علم هستم
وَعَلَيْهَا	و علی در آن است.
فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ	هرکس این علم را بخواهد
فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا	باید از در آن وارد شود.

امیرمؤمنان علی(ع) خود می فرمود: هرگاه از پیامبر سوال می کردم، پاسخم را می داد و اگر در حضورش سکوت می کردم، ایشان پیشگام می شد و از دانش خود مرا بهره مند می ساخت.



با سپاس از

توجه شما